



چرا آمار طلاق افزایش یافت؟

تویسرکانی خاطرنشان کرد: سال گذشته به ازای 100 هزار نفر جمعیت 206 طلاق ثبت شده است که این رقم در سال 88 معادل 161 بوده است. « بیشترین طلاق مربوط به استان‌های البرز و تهران و کمترین مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان و یزد است.»

تویسرکانی خاطرنشان کرد: سال گذشته به ازای 100 هزار نفر جمعیت 206 طلاق ثبت شده است که این رقم در سال 88 معادل 161 بوده است. « بیشترین طلاق مربوط به استان‌های البرز و تهران و کمترین مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان و یزد است.»

یک استاد دانشگاه گفت: طلاق زائده رشد مدرنیته در ایران است و گویای تکامل زنان است. اما جامعه ایران به طور ناقص با غرب و جامع مدرن و حقوق جدید بشر آشنا شده است.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از ایسنا، روند افزایشی طلاق در خانواده‌های ایرانی همچنان سیر صعودی دارد. دادگاه‌های خانواده و مراکز قوه قضائیه سرریز از زنان و مردانی است که متقاضی جدایی‌اند و این جدایی زنگ خطری بر فروپاشی ساختار خانواده ایرانی است.

رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در خصوص آمار طلاق‌های ثبت شده در دفاتر طلاق گفت: «در بررسی شمار طلاق‌های ثبت شده مشخص شد که در سال 92 تعداد 158 هزار و 753 طلاق در دفاتر طلاق به ثبت رسیده که در مقایسه با پارسال، 4.6 درصد افزایش یافته است. در سال 91 نیز تعداد طلاق‌های ثبت شده نسبت به سال 1390 معادل 8.4 درصد رشد داشته است. با بررسی بیشتر می‌توان گفت در همدی 5 سال اخیر تعداد طلاق‌های ثبت شده هر سال افزایش یافته که این افزایش در سال 88 معادل 17 درصد، سال 89 بیش از 10 درصد و در سال 90 بیش از 7 درصد بوده است.»

تویسرکانی خاطرنشان کرد: سال گذشته به ازای 100 هزار نفر جمعیت 206 طلاق ثبت شده است که این رقم در سال 88 معادل 161 بوده است. « بیشترین طلاق مربوط به استان‌های البرز و تهران و کمترین مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان و یزد است.»

در تیر ماه سال 93 اعلام شده است که 70 درصد طلاق‌ها زنان متقاضی بودند و 3 درصد مردان و 26 درصد توافقی بوده است.

اما سهم استان کرمان در سال 1391 شمار طلاق به درخواست زوجه 3221 مورد و تعداد طلاق توافقی در این سال 3732 مورد بوده است. در سال 1392 تعداد طلاق به درخواست زوجه 3652 مورد و تعداد طلاق توافقی در این سال 3654 مورد ثبت شده است.

«محمد اکبری»، دکتری فلسفه سیاسی با بیان اینکه عواملی مانند اقتصادی، اعتیاد و ... در دهه‌های گذشته علت افزایش طلاق بوده‌اند، گفت: اکنون این عوامل علت نیست اگر هم علت باشند بخش کوچکی از جامعه علت است. اما بخش بزرگی از جامعه که طلاق اتفاق می‌افتد علت‌های جدیدی دارد که زائده‌ی تغییرات اجتماعی جامعه است.

اکبری ادامه داد: نخستین عامل، «فرد گروی» است که جدیداً در میان مردم پدید آمده است به این معنا که افراد خواسته‌های خود را مقدم بر خواسته‌های اجتماعی می‌دانند به عبارتی از حالت رنج از زندگی، مردم گریخته و رها شده‌اند، اما در گذشته فرد رنج می‌برد تا خانواده سربلند باشند.

وی ادامه داد: امروزه این فرد گروی (خود گروی اخلاقی)، مصلحت فردی بر همه چیز ترجیح داده می‌شود، و احساس دیگران برای او ارزشی ندارد، فردیت در مقابل اصالت جامعه قرار می‌گیرد. این عامل نقش بزرگی در پدیده‌ی طلاق بازی می‌کند.

مدرنیته عامل دیگر طلاق است

این استاد دانشگاه با بیان اینکه مدرنیته عامل دیگر طلاق است، تصریح کرد: دومین عامل حرکت جامعه به سمت مدرنیته است و با عامل فردگرایی رابطه دارد.

این دکترای فلسفه سیاسی اظهار کرد: مسأله‌ی برابرخواهی زنان، فرد احساس می‌کند حقوق برابر با مرد دارد. این ویژگی سبب شده خواسته‌ی زنان با زنان سنتی فراتر برود، بسیاری از مردان با این حالت نمی‌سازند، به عبارتی محدودیت‌هایی که جامعه‌ی سنتی بر زن تحمیل می‌کرد زنان جدید قبول ندارند و خواهان حقوق مساوی با مردان هستند. اگر مردان این حقوق برابر را برای زنان خود قائل باشند زندگی به سلامت می‌گذرد. در غیر این صورت دچار بحران طلاق می‌شوند.

وی ادامه داد: این برابرخواهی هم دست زنان را درازتر می‌کند و هم آزادی‌های مرد سنتی را به چالش می‌کشد که مردان سنتی این امر را قبول ندارند.

فردگرایی و مدرنیته زائده رشد مدرنیته در ایران

این عضو هیئت علمی دانشگاه باهنر کرمان گفت: این دو عامل هر دو زائده‌ی رشد مدرنیته در ایران است، گسترش تحصیلات عالی، تماس با غرب، وسائل ارتباط جمعی و... آگاهی برای نسل جدید پدید آورده‌اند، برابری حقوق زن و مرد به فرد بخشیده‌اند در حالی که جامعه هنوز در حال گذار در این امر مدرن و تعارضی میان این امر مدرن و آن مسأله سنتی پدید می‌آید، نخستین پیامدهای این تعارض پدیده‌ی طلاق و ناپایداری خانواده در بر دارد و تلفات سنگینی داشته باشیم.

در آینده پدیده طلاق کم نمی‌شود اما حالت ثابت می‌یابد

این استاد دانشگاه ادامه داد: در آینده پدیده طلاق کم نمی‌شود اما حالت ثابت پیدا می‌کند. وقتی آرمان‌های جدید اجتماعی جایگزین سنتی می‌شود انتظارات از خانواده تغییر می‌یابد. اکنون انتظارات متناسب با خانواده و جامعه نیست و در گذشته سیر می‌کند اما عملاً طبقات زیادی از مردم به حوزه مدرن کشیده شده‌اند و توقع زن و مرد از یکدیگر عوض شده که ثمره‌ی این تعارض پدیده‌ی طلاق است.

جامعه‌ی ایران به طور ناقص با غرب، جامع مدرن و حقوق جدید بشر آشنا شده است

این دکتری جامعه‌شناسی با بیان اینکه جوامع از یکدیگر تأثیر می‌گیرند، گفت: ارتباط وسیع جوامع با یکدیگر تأثیراتی بر روی دیگری دارند و نباید تصور کنیم یک توطئه در کار است، آسیب‌ها وقتی پدید می‌آیند که جامعه در معرض این تغییرات، هنوز با سنت‌های جدید آشنا نشده باشد.

وی افزود: جامعه ایران به طور ناقص با غرب و جامع مدرن و حقوق جدید بشر آشنا شده است، اگر به‌درستی آشنا می‌شدیم این آشفتگی در جامعه نبود و می‌توانستیم با سنت‌های خود انطباق داد. در سنت‌های ایران همه‌ی قرائت‌ها زن‌ستیزانه نیست. از درون سنت‌ها می‌توان تجدد بیرون آورد در این صورت آسیب‌ها کمتر می‌شود.

اکبری با بیان اینکه تغییرات اجتماعی امری طبیعی است، ادامه داد: اگر این تغییرات اجتماعی پیش‌بینی نشده باشند بحران‌ساز است. طلاق اگر چه یک بحران اجتماعی است اما علل منفی به‌طور کلی ندارد، این احساس خود بسندگی و کمال و زیر فشار ناصحیح مردان نمی‌روند این حکایت از یک تکامل در زنان بوده اگرچه پیامد بدی بوده اما فی نفس عامل تکامل بوده است. در نهایت باید تغییرات اجتماعی را بشناسیم و آنها را در جهت صحیح هدایت کنیم نه اینکه به جنگ آنها برویم.

شگاه گفت: طلاق زائده رشد مدرنیته در ایران است و گویای تکامل زنان است. اما جامعه ایران به طور ناقص با غرب و جامع مدرن و حقوق جدید بشر آشنا شده است.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از ایسنا، روند افزایشی طلاق در خانواده‌های ایرانی هم‌چنان سیر صعودی دارد. دادگاه‌های خانواده و مراکز قوه قضائیه سرریز از زنان و مردانی است که متقاضی جدایی‌اند و این جدایی زنگ خطری بر فروپاشی ساختار خانواده ایرانی است.

رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در خصوص آمار طلاق‌های ثبت شده در دفاتر طلاق گفت: «در بررسی شمار طلاق‌های ثبت شده مشخص شد که در سال 92 تعداد 158 هزار و 753 طلاق در دفاتر طلاق به ثبت رسیده که در مقایسه با پارسال، 4.6

درصد افزایش یافته است. در سال 91 نیز تعداد طلاق های ثبت شده نسبت به سال 1390 معادل 8.4 درصد رشد داشته است. با بررسی بیشتر می توان گفت در همه ی 5 سال اخیر تعداد طلاق های ثبت شده هر سال افزایش یافته که این افزایش در سال 88 معادل 17 درصد، سال 89 بیش از 10 درصد و در سال 90 بیش از 7 درصد بوده است.»

تویسرکانی خاطرنشان کرد: سال گذشته به ازای 100 هزار نفر جمعیت 206 طلاق ثبت شده است که این رقم در سال 88 معادل 161 بوده است. « بیشترین طلاق مربوط به استان های البرز و تهران و کمترین مربوط به استان های سیستان و بلوچستان و یزد است.»

در تیر ماه سال 93 اعلام شده است که 70 درصد طلاق ها زنان متقاضی بودند و 3 درصد مردان و 26 درصد توافقی بوده است.

اما سهم استان کرمان در سال 1391 شمار طلاق به درخواست زوجه 3221 مورد و تعداد طلاق توافقی در این سال 3732 مورد بوده است. در سال 1392 تعداد طلاق به درخواست زوجه 3652 مورد و تعداد طلاق توافقی در این سال 3654 مورد ثبت شده است.

«محمد اکبری»، دکتری فلسفه سیاسی با بیان اینکه عواملی مانند اقتصادی، اعتیاد و ... در دهه های گذشته علت افزایش طلاق بوده اند، گفت: اکنون این عوامل علت نیست اگر هم علت باشند بخش کوچکی از جامعه علت است. اما بخش بزرگی از جامعه که طلاق اتفاق می افتد علت های جدیدی دارد که زائده ی تغییرات اجتماعی جامعه است.

اکبری ادامه داد: نخستین عامل، «فرد گروی» است که جدیداً در میان مردم پدید آمده است به این معنا که افراد خواسته های خود را مقدم بر خواسته های اجتماعی می دانند به عبارتی از حالت رنج از زندگی، مردم گریخته و رها شده اند، اما در گذشته فرد رنج می برد تا خانواده سربلند باشند.

وی ادامه داد: امروزه این فرد گروی (خود گروی اخلاقی)، مصلحت فردی بر همه چیز ترجیح داده می شود، و احساس دیگران برای او ارزشی ندارد، فردیت در مقابل اصالت جامعه قرار می گیرد. این عامل نقش بزرگی در پدیده ی طلاق بازی می کند.

مدرنیته عامل دیگر طلاق است

این استاد دانشگاه با بیان اینکه مدرنیته عامل دیگر طلاق است، تصریح کرد: دومین عامل حرکت جامعه به سمت مدرنیته است و با عامل فردگروی رابطه دارد.

این دکترای فلسفه سیاسی اظهار کرد: مسأله ی برابرخواهی زنان، فرد احساس می کند حقوق برابر با مرد دارد. این ویژگی سبب شده خواسته ی زنان با زنان سنتی فراتر برود، بسیاری از مردان با این حالت نمی سازند، به عبارتی محدودیت هایی که جامعه ی سنتی بر زن تحمیل می کرد زنان جدید قبول ندارند و خواهان حقوق مساوی با مردان هستند. اگر مردان این حقوق برابر را برای زنان خود قائل باشند زندگی به سلامت می گذرد. در غیر این صورت دچار بحران طلاق می شوند.

وی ادامه داد: این برابرخواهی هم دست زنان را درازتر می کند و هم آزادی های مرد سنتی را به چالش می کشد که مردان سنتی این امر را قبول ندارند.

فردگروی و مدرنیته زائده رشد مدرنیته در ایران

این عضو هیئت علمی دانشگاه باهنر کرمان گفت: این دو عامل هر دو زائده ی رشد مدرنیته در ایران است، گسترش تحصیلات عالی، تماس با غرب، وسائل ارتباط جمعی و... آگاهی برای نسل جدید پدید آورده اند، برابری حقوق زن و مرد به فرد بخشیده اند در حالی که جامعه هنوز در حال گذار در این امر مدرن و تعارضی میان این امر مدرن و آن مسأله سنتی پدید می آید، نخستین پیامدهای این تعارض پدیده ی طلاق و ناپایداری خانواده در بر دارد و تلفات سنگینی داشته باشیم.

در آینده پدیده طلاق کم نمی شود اما حالت ثابت می یابد

این استاد دانشگاه ادامه داد: در آینده پدیده طلاق کم نمی شود اما حالت ثابت پیدا می کند. وقتی آرمان های جدید اجتماعی جایگزین سنتی می شود انتظارات از خانواده تغییر می یابد. اکنون انتظارات متناسب با خانواده و جامعه نیست و در گذشته سیر می کند اما عملاً طبقات زیادی از مردم به حوزه مدرن کشیده شده اند و توقع زن و مرد از یکدیگر عوض شده که ثمره ی این

تعارض پدیده‌ی طلاق است.

جامعه‌ی ایران به طور ناقص با غرب، جامع مدرن و حقوق جدید بشر آشنا شده است

این دکتری جامعه‌شناسی با بیان اینکه جوامع از یکدیگر تأثیر می‌گیرند، گفت: ارتباط وسیع جوامع با یکدیگر تأثیراتی بر روی دیگری دارند و نباید تصور کنیم یک توطئه در کار است، آسیب‌ها وقتی پدید می‌آیند که جامعه در معرض این تغییرات، هنوز با سنت‌های جدید آشنا نشده باشد.

وی افزود: جامعه ایران به طور ناقص با غرب و جامع مدرن و حقوق جدید بشر آشنا شده است، اگر به‌درستی آشنا می‌شدیم این آشفتگی در جامعه نبود و می‌توانستیم با سنت‌های خود انطباق داد. در سنت‌های ایران همه‌ی قرائت‌ها زن‌ستیزانه نیست. از درون سنت‌ها می‌توان تجدید بیرون آورد در این صورت آسیب‌ها کمتر می‌شود.

اکبری با بیان اینکه تغییرات اجتماعی امری طبیعی است، ادامه داد: اگر این تغییرات اجتماعی پیش‌بینی نشده باشند بحران‌ساز است. طلاق اگر چه یک بحران اجتماعی است اما علل منفی به‌طور کلی ندارد، این احساس خود بسندگی و کمال و زیر فشار ناصحیح مردان نمی‌روند این حکایت از یک تکامل در زنان بوده اگرچه پیامد بدی بوده اما فی نفس عامل تکامل بوده است. در نهایت باید تغییرات اجتماعی را بشناسیم و آنها را در جهت صحیح هدایت کنیم نه اینکه به جنگ آنها برویم.